



# Territorial Disputes Between Afghanistan and Pakistan and Their Impact on the National Security of the Islamic Republic of Iran

Naser Pourhassan <sup>1\*</sup>  
Mahdi Mohammadnia <sup>2</sup>

Received on: 19/08/2022  
Accepted on: 26/12/2022

## Abstract

With the withdrawal of American and ISAF military forces from Afghanistan in 2021 and the occupation of this country's territory by Taliban forces, the security of the eastern borders has once again become one of the primary security concerns for the Islamic Republic. Afghanistan and Pakistan share a border with Iran that spans about 2,000 kilometers and have significant border disputes between them. With the return of the Taliban to power in 2021, their relations will become more complicated, leading to profound consequences for the national security of the Islamic Republic. The main question of the article is "What is the root of the differences between Pakistan and Afghanistan, and how has it affected the national security of the Islamic Republic of Iran?" The hypothesis of the article is formulated as follows: "The main root of the differences between Pakistan and Afghanistan is the Durand border." Because Afghanistan has not recognized this border line, Pakistan has always sought the failure of the central government of Afghanistan. This situation has become the basis for the activities of terrorist groups such as ISIS, the increase in drug production, the continued displacement of Afghans, foreign intervention, and the establishment of the Taliban as an ideological rival of the Islamic Republic. Each of these is a threat to Iran's national security. The findings of the article indicate that Pakistan's strategy in Afghanistan has resulted in the establishment of a dependent, weak, and failed government in the country. The outcome is the development of anti-security platforms for the Islamic Republic of Iran. The data for the article was collected from library resources, magazines, and specialized internet sites, and analyzed using a qualitative approach.

**Keywords:** Afghanistan, Pakistan, Territorial Disputes, Durand Line, Iran's National Security, Taliban.

---

1\*. Associate Professor, Department of Political Science, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran. (Corresponding Author: Na.pourhassan@abru.ac.ir)

2. Assistant Professor, Department of Political Science, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran. (Email: Mahdi.mnia@yahoo.com).



# اشباع نیافتگی سرزمینی افغانستان و پاکستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

ناصر پورحسن<sup>\*۱</sup>

مهدی محمدنیا<sup>۲</sup>

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵

با خروج نیروهای نظامی آمریکایی و ایساف از افغانستان در سال ۲۰۲۱ و تصرف قلمرو این کشور توسط نیروهای طالبان، موضوع امنیت مرزهای شرقی دوباره به یکی از دغدغه‌های اساسی امنیتی برای جمهوری اسلامی تبدیل شده است. افغانستان و پاکستان با حدود دو هزار کیلومتر مرز مشترک با ایران، اختلافات مرزی شدیدی با یکدیگر دارند. با بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱، روابط آن‌ها پیچیده‌تر شده و تبعات عمیقی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی خواهد داشت. سؤال اصلی مقاله این است که «ریشه اختلافات پاکستان و افغانستان چیست و چگونه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار بوده است؟» فرضیه مقاله نیز این گونه صورت‌بندی شده است: «ریشه اصلی اختلافات پاکستان و افغانستان، مرز دیوراند است. چون افغانستان این خط مرزی را به رسمیت نشناخته، لذا، پاکستان همواره به دنبال ناکامی دولت مرکزی افغانستان بوده است. این وضعیت زمینه‌ساز فعالیت گروه‌های تروریستی چون داعش، افزایش تولید مواد مخدر، تداوم آوراگی افغان‌ها، مداخله خارجی و استقرار طالبان به عنوان رقیب ایدئولوژیک جمهوری اسلامی شده؛ که هر کدام تهدیدی علیه امنیت ملی ایران است». یافته‌های مقاله نشان می‌دهد راهبرد پاکستان در افغانستان، موجب ایجاد دولت وابسته، ضعیف و ناکام در این کشور شده است. نتیجه آن، فراهم‌شدن بسترهای ضد امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران است. داده‌های مقاله از طریق منابع کتابخانه‌ای، مجلات و سایت‌های تخصصی اینترنتی گردآوری و با رویکرد تحلیل کیفی پردازش شده است.

**واژگان کلیدی:** افغانستان، پاکستان، اشباع سرزمینی، دیوراند، امنیت ملی ایران، طالبان.

\*۱. دانشیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، تهران، ایران. (صفحه ۲۹-۶۰)

(نویسنده مسئول: Na.pourhassan@abru.ac.ir)

۲. استادیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، تهران، ایران. (Mahdi.mnia@yahoo.com)

## مقدمه

افغانستان و پاکستان به عنوان دو همسایه شرقی ایران، به دلیل موقعیت جغرافیایی و به ویژه ژئوپلتیک جنگ سرد و تحولات پس از آن، همواره دارای بستر بحران‌زایی بوده‌اند. با خروج نیروهای آمریکایی و ناتو از افغانستان در سال ۲۰۲۱ و بازگشت سریع طالبان به قدرت، بار دیگر مسئله امنیت مرزهای شرقی در دستورکار سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گرفته است. خروج سریع نظامیان خارجی و ناتوانی نیروهای نظامی ۳۰۰ هزار نفری افغانستان موجب شد نیروهای طالبان بدون مقاومت قابل توجهی، در زمان کوتاهی ولایت‌های افغانستان را تصرف کنند و پرچم سفید خود را بر فراز ارگ ریاست جمهوری در کابل به اهتزاز درآوردند و برای بار دوم «امارت اسلامی افغانستان» را تشکیل دهند.

اگرچه بیشتر همسایگان ایران، با یکدیگر اختلافات ارضی و مرزی دارند، با این وصف، اختلافات مرزی در کشورهای شرقی از ظرفیت تهدیدزایی بیشتری برای امنیت ملی جمهوری اسلامی برخوردارند. در این راستا، عوامل بسیار متعدد تاریخی، جغرافیایی، مذهبی و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در ایجاد ناامنی و تصاعد بحران در همسایگان شرقی ایران دخل‌اند. برخی از این عوامل عمیق‌ترند. اختلافات مرزی بین افغانستان و پاکستان به نوعی همزاد این دو همسایه ایران بوده و با گذشت زمان و ورود متغیرهای دیگر، متراکم‌تر شده‌است. با سلطه مجدد طالبان بر افغانستان و اعلام «امارت اسلامی» و حمایت پاکستان از گرایش تندروهای طالبان جدید تأثیر اختلافات مرزی دو کشور بر امنیت ملی ایران بیشتر خواهد شد. مسئله اصلی این پژوهش، بدون تقلیل تمامی اختلافات پاکستان و افغانستان به اختلافات مرزی و نیز نادیده نگرفتن ساختار اجتماعی-سیاسی و فرایند دولت-ملت‌سازی در این دو کشور، بر پیامدها و تهدیدات اختلافات مرزی آن‌ها بر امنیت ملی جمهوری اسلامی متمرکز می‌شود. بر این اساس سؤال اصلی مقاله این‌گونه صورت‌بندی می‌شود: «ریشه اصلی اختلافات پاکستان و افغانستان چیست و چگونه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار خواهد بود؟» فرضیه مقاله نیز از این قرار است: «ریشه اصلی اختلافات پاکستان و افغانستان، مرز دیوراند است. چون افغانستان این خط مرزی را به رسمیت نشناخته است، لذا، پاکستان همواره به دنبال وابسته‌سازی و ناکامی دولت مرکزی افغانستان بوده است. این وضعیت زمینه‌ساز فعالیت گروه‌های تروریستی چون داعش، افزایش تولید مواد مخدر، تداوم آوارگی افغان‌ها، مداخله خارجی و

استقرار طالبان به عنوان رقیب ایدئولوژیک جمهوری اسلامی شده؛ که هر کدام تهدیدی علیه امنیت ملی ایران است». با توجه به طولانی بودن مرزهای ایران با دو همسایه شرقی و تنوع و چند وجهی بودن پیامدهای امنیتی متأثر از اختلافات ارضی آنها، بایسته است که این اختلافات عمیقاً ریشه‌کاوی شود.

## الف - مرور پیشینه

درباره چالش‌های مرزی پاکستان و افغانستان و پیامدهای امنیتی مربوط به آن، پژوهش‌های مختلفی انجام شده است. برخی پژوهش‌ها نیز بر مرز دیوراند متمرکز شده‌اند. مقاله «جنگ و صلح در افغانستان: نقش پاکستان» یکی از نخستین پژوهش‌هایی است که پس از خروج شوروی از افغانستان و با رویکرد آینده‌پژوهانه نوشته شده و نویسنده با تمرکز بر اختلاف ریشه‌دار مرزی، مهم‌ترین هدف نقش‌آفرینی پاکستان در افغانستان را تثبیت خط دیوراند به عنوان مرز بین‌المللی تحلیل کرده است (Weinbaum: 1991). در مقاله «خط دیوراند: مواضع رسمی پاکستان و افغانستان در مورد مشروعیت مرزها» پیشینه تاریخی خط دیوراند، تحلیل و تأثیر مسئله حل نشده مرزی بین افغانستان و پاکستان بر روابط دو کشور بررسی شده است (Dkhar and Dkhar, 2017). ظفر اقبال یوسف‌زی<sup>1</sup> روابط سه‌جانبه آمریکا، پاکستان و طالبان را تحلیل کرده است. بخشی از پژوهش مذکور به مذاکرات با طالبان اختصاص یافته است (Yosafzai, 2021: chapter 5) نویسنده مقاله «مدیریت مرزهای پاکستان و افغانستان: چشم‌انداز حقوقی» وضعیت حقوقی خط دیوراند و تأثیر اختلافات مرزی بین دو کشور برگسترش تروریسم، قاچاق مواد مخدر و اسلحه را بررسی کرده است (Soofi, 2015). در پروژه تحقیقاتی که توسط انستیتو مطالعات استراتژیک افغانستان درباره چهار دهه مذاکرات صلح در افغانستان انجام شده، با طیف گسترده‌ای از پژوهشگران و سیاستگذاران افغان مصاحبه شده است. مصاحبه‌شوندگان به کرات موضوع خط دیوراند و سیاست پاکستان را مطرح کرده‌اند (Wafayezada: 2017). در میان پژوهش‌هایی که درباره تهدیدات پاکستان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی انجام شده، می‌توان به مقاله «تحلیل تهدیدهای دولت و جامعه پاکستان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» اشاره کرد که نویسندگان تلاش کرده‌اند تهدیدات امنیت ملی ایران از جانب پاکستان از زاویه

1 . Zafar Iqbal Yousafzai

نظریه‌های سازه‌نگاری و نئورئالیستی تحلیل کنند (غفوری و داوند: ۱۳۹۳). با وجود این پژوهش‌های مختلف در رابطه با خط دیوراند و چالش‌های مرزی پاکستان و افغانستان، هیچکدام از پژوهش‌های مذکور به فرضیه این مقاله که ریشه اصلی اختلافات پاکستان و افغانستان، اشباع نیافتگی سرزمینی است، متمرکز نشده‌اند. چون افغانستان خط دیوراند را به عنوان مرز را به رسمیت نشناخته، لذا، پاکستان همواره به دنبال وابسته سازی و ناکامی دولت مرکزی افغانستان بوده است. این وضعیت زمینه‌ساز فعالیت گروه‌های تروریستی چون داعش، افزایش تولید مواد مخدر، تداوم آوارگی افغان‌ها، مداخله خارجی و استقرار طالبان به عنوان رقیب ایدئولوژیک جمهوری اسلامی شده؛ که هر کدام تهدیدی علیه امنیت ملی ایران است

## ب- مبانی نظری و روش

ریشه‌یابی تهدیدات امنیتی ایران در مناطق همجوار شرقی، مستلزم مبانی نظری علمی است. بر این اساس «اشباع سرزمینی»<sup>۱</sup> به عنوان چارچوب مفهومی این مقاله انتخاب شده است. اگرچه پیدایش و وسایل نوین ارتباطی باعث تحول مفاهیمی چون ملت و سرزمین شده‌اند اما هنوز دولت-ملت واحد اساسی نظام بین‌الملل است. اشباع سرزمینی به مفهوم تثبیت مرزهای سرزمینی و تحکیم حاکمیت ملی است به گونه‌ای که هیچ تهدیدی از درون یا بیرون متوجه سرزمین آن‌ها نباشد؛ انباشت متوازن قدرت برای گذر از این تهدیدها ضروری است. یکی از مهمترین مسائل مخدوش کننده اشباع سرزمینی، تعارضات قومی است که در غرب و جنوب آسیا از مهمترین موانع دولت-ملت‌سازی محسوب می‌شود (داوودندی و دیگران، ۱۳۹۹۰: ۱۶۰). در این مناطق، بسیاری از تعارضات مرزی، ریشه در عدم اشباع سرزمینی دارد. در اکثر کشورهای این مناطق هنوز سرزمین، یک مسئله و دغدغه جدی به حساب می‌آید؛ زیرا مرزهای این کشورها به صورت تصنعی و بدون ملاحظات فرهنگی و با دخالت استعمار شکل گرفته (فراستی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۸۰) و عمدتاً بازتاب منافع قدرت‌های استعماری بوده‌اند. زمانی صحبت از عدم اشباع سرزمینی می‌شود که یک دولت انطباق کاملی با هویت‌های قومی خود نداشته باشد و این عدم یکپارچگی زمینه را برای بی‌ثباتی و کشمکش‌های قومی و مرزی در آن کشور فراهم کند.

1 . Territorial Satiation

به طور کلی «دولت- ملت سازی»<sup>۱</sup> زیربنای اشباع سرزمینی است. دولت سازی، فرایند ایجاد نهادهای دولتی و ملت سازی روند برساخته شدن هویت ملی است. به تعبیر دیگر دولت - ملت سازی به معنی انطباق مرزهای سرزمینی و اجتماعی است که در آن نهادهای سیاسی از منظر شهروندان مشروعیت دارد و مستلزم وجود شهروندانی است که درباره وجود دولت خود آگاهی داشته باشند و به طور عمومی از ارزشها و اصول اساسی آن حمایت کنند (میگدال، ۱۳۹۵: ۲۱).

دولت - ملت سازی موفق، فرایندی است که مستلزم تحقق سه شاخص «اشباع سرزمینی»، همبستگی اجتماعی و ثبات سیاسی است. این شاخصها به هم مرتبطاند؛ اگر سه مؤلفه مذکور محقق نشود، به جای ملت، «شبه ملت» ایجاد می شود (قوام و زرگر، ۱۳۸۹: ۶۱). اشباع سرزمینی در روند دولت- ملت سازی امری حیاتی و اولیه تلقی می شود و می توان آن را به دیوارهای حیاط یک منزل مسکونی تشبیه کرد که حریم آن را از دیگر واحدها تمیز می دهد. اشباع سرزمینی به معنی تثبیت مرزهای ملی، اعمال حاکمیت ملی در درون این مرزها و حل مسائل مرزی و رفع تهدید خارجی است. مرزهای ملی که تعیین کننده تعریف «خود» از «دیگران» می شود، از الزامات دولت سازی است. در همبستگی و یکپارچگی ملی؛ مفهوم هویت ملی و شهروندی ایجاد شده و همگرایی مرکزگرا شکل می گیرد. ثبات سیاسی از یک سو تثبیت قدرت در یک واحد سیاسی و گردش دموکراتیک آن و از سوی دیگر، به مفهوم انحصار بکارگیری زور مشروع در نهاد ارتش و سازمان مرکزی نظامی است (قوام و زرگر، ۱۳۸۹: ۲۷۲)؛ به طور کلی، در کشورهایی که مرزها نه بر اساس هویت واقعی، بلکه بر اساس موافقت نامه و نقشه کشی های جدید - به ویژه در جوامع پسااستعماری - شکل گرفته باشند، می توان سطوحی از ناآرامی ها یا تغییرات محتمل را مشاهده کرد.

اشباع سرزمینی ناظر بر دومین مؤلفه اساسی تشکیل دهنده دولت یعنی سرزمینی مشخص است که با مرزهای شناخته شده، از قلمرو دیگر کشورها متمایز می شود. مرزها خطوط قراردادی هستند که قلمروی کشورها را که نشان دهنده دامنه حاکمیت، مالکیت و اقتدار مطلق بین آنهاست، تقسیم می کنند؛ این خطوط مرزی که یک دولت را از سایر دولت ها جدا می کند، باعث تعیین محدوده فضایی آن که مرتبط با ملیت، هویت و حس تعلق و محافظت از تهدیدات خارجی است، می شود (جان پرور، ۱۳۹۵: ۱۰۳). منشأ ایجاد مرزها، تفکیک قلمرو سیاسی ممالک مختلف است زیرا مرزها بیش از آنکه مشخص کننده محیط طبیعی باشند، متمایز کننده حاکمیت ملل هستند (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۴۱).

## پ- اشباع نیافتگی سرزمینی در افغانستان و پاکستان

مرزهای شرقی ایران، در طول تاریخ به ویژه دوره معاصر شاهد تحولات بسیار زیادی بوده است. پاکستان دولتی پساستعماری است و در سال ۱۹۴۷ با تجزیه شبه‌قاره و از به هم پیوستن مناطق پنجاب، افغان (ایالت سرحد شمالی یا پختونخواه کنونی) کشمیر، سند و بلوچستان ایجاد شده است (اسپوزیتو، ۱۳۹۶: ۱۳۲)؛ اما افغانستان دارای قدمت بیشتری است. «احمد خان ڈرانی» از قبایل پشتون، دولت ملی افغانستان را با هویت افغانی در قرن ۱۸ ایجاد کرد (هالیدی، بی تا: ۱۲) و تاریخ اعلام رسمی استقلال آن به اسفند ۱۲۹۸ باز می‌گردد. روند دولت-ملت‌سازی در پاکستان و افغانستان با موانع ساختاری و بنیادینی مواجه بوده که بررسی همه آن‌ها خارج از موضوع مقاله است و در اینجا تنها یکی از وجوه آن، یعنی اشباع نیافتگی سرزمینی، مورد توجه قرار گرفته است. روابط پاکستان و افغانستان از سال ۱۹۴۷ تاکنون از بحرانی‌ترین روابط میان کشورهای دنیا محسوب می‌شود. بخش عمده و اساسی اختلافات آن‌ها ریشه در مسئله مرزی «خط دیوراند» دارد. این خط تعارض‌زا، کانون نزاع دو همسایه شرقی ایران است که از یک سو بر فرایند دولت‌سازی و ملت‌سازی، در این دو کشور به ویژه افغانستان تأثیرگذار بوده و از سوی دیگر، بر امنیت ملی جمهوری اسلامی تأثیر گذاشته است. خط دیوراند، به مرز بین پاکستان و افغانستان اطلاق می‌شود. این مرز براساس معاهده‌ای بین «سر هنری مورتیمر دیوراند» دبیر امور خارجه امپراتوری بریتانیا و امیرعبدالرحمن خان، حاکم افغانستان، در ۱۲ نوامبر ۱۸۹۳، در کابل منعقد شد که طبق آن خط مرزی بین افغانستان و پاکستان به طول ۲۶۴۰ کیلومتر ترسیم شد (Kumar, 2011: 8). از آن تاریخ افغان‌ها، از پذیرفتن این قرارداد خودداری کرده‌اند؛ عهدنامه دیوراند از نظر جغرافیایی و جمعیتی، منطقه «پشتونستان» را بین افغانستان و شبه‌قاره تقسیم کرده است. این عهدنامه مناطق صوات، باجور، چیترال، وزیرستان، داور و چمن را از افغانستان منتزع کرد. این توافق تحت فشار، تهدید و پرداخت رشوه از جانب هیأت مذاکره کننده انگلیسی و اعانه مالی سالانه ۱۸ هزار لک<sup>۲</sup> به طرف افغان تحمیل شد (فرهنگ، ۱۳۸۰: ج ۲: ۴۳۰).

طبق بند ۴ این عهدنامه، دولت انگلیس از افغانستان تعهد گرفت در مناطق پشتونستان دخالت نکند (بهمنی قاجار، ۱۳۸۲: ۲۶). با توجه به ارتباط تنگاتنگ میان قوم پشتون و افغانستان، این

1 . Sir Henry Mortimer Durand

۲ . لک یا لگ، معادل صد هزار است که در شبه‌قاره و بویژه افغانستان مرسوم بوده است.

جداسازی، به راحتی نمی‌توانست توسط افغان‌ها پذیرفته شود. درباره محدوده جغرافیایی پشتونستان، اجماع نظر وجود ندارد. برخی منابع پشتونستان را از پاکستان و افغانستان بزرگتر می‌دانند. با این وصف، آنچه در میان علمای ژئوپلیتیک پذیرفته شده، این است که پشتونستان بخش جنوب شرقی افغانستان و شمال شرقی پاکستان را شامل می‌شود که منطقه‌ای بیابانی و نیمه بیابانی با کوه‌های بسیار بلند و صعب‌العبور که دره‌های واقع در آن تنها گذرگاه‌های اتصال آسیای مرکزی و اوراسیا به جنوب و شرق آسیاست. در این منطقه هفت قبیله بزرگ از جمله خیبر، باجور، مهمند، کرام، وزیرستان شمالی و جنوبی زندگی می‌کنند و علاوه بر آن، در این منطقه شش ناحیه خودمختار نیز وجود دارد (Kumar, 2011: 14). این مناطق قبیله‌ای خودمختار<sup>۱</sup>، به وسیله خط دیوراند از افغانستان جدا می‌شود. از جمعیت بیش از ۲۱۷ میلیونی پاکستان حدود ۱۵ درصد به زبان پشتون صحبت می‌کنند (Pakistan Population 2020: 2019). در رابطه با قوم پشتون افغانستان، بر اساس برخی آمارها حدود ۴۲ درصد از جمعیت این کشور را شامل می‌شوند (Country Profile Afghanistan, 2008:3).

با خروج انگلیس از شبه‌قاره، عهدنامه دیوراند به کانون اختلاف پاکستان و افغانستان تبدیل شد. افغان‌ها معتقد بودند با پایان استعمار، قراردادهای ناشی از آن نیز از درجه اعتبار ساقط شده است. بر این اساس با پیدایش کشوری به نام پاکستان، مخالف بودند و پیش شرط به رسمیت شناختن دولت تازه تأسیس پاکستان را، الحاق سرحدات، وزیرستان و بلوچستان به افغانستان اعلام کردند (بهمنی قاجار، ۱۳۸۲: ۳۶). سیاستمداران افغان که هوادار تشکیل پشتونستان بزرگ بودند، سال ۱۹۴۷ در کنار گزینه‌های پیوستن به پاکستان، هند یا افغانستان، بر انتخاب دیگر آن‌ها مبنی بر استقلال پشتونستان تأکید بیشتری داشتند (Kumar, 2011: 18). پشتونستان بزرگ ریشه بسیاری از تحولات منطقه بوده و در آینده سیاسی منطقه هم تأثیرگذار است. به دلایل فوق، پاکستان همواره از تشکیل یک دولت ملی‌گرا در افغانستان که در آن پشتون‌ها، زمام امور را در دست داشته باشند و مدعی پشتونستان بزرگ و مناطق شمال غربی پاکستان باشند، نگران بوده است (روآ، ۱۳۶۹: ۳۲۰-۳۲۱).

با تشکیل دولت پاکستان، افغانستان تنها کشوری بود که با درخواست عضویت آن در سازمان ملل مخالفت کرد و نماینده افغانستان در سازمان ملل، تنها رأی مخالف در ۳۰ سپتامبر ۱۹۴۷ را به صندوق انداخت (بورک و زایرینگ، ۱۳۷۷: ۸۴). دولت پاکستان تلاش‌های گسترده‌ای برای تثبیت خط دیوراند به عنوان مرز بین‌المللی دو کشور انجام داد. موضع رسمی دولت پاکستان این بود که دیوراند، مرز

1 . The Federally Administered Tribal Areas



بین‌المللی معتبری است که دولت افغانستان چندین بار آن را تأیید کرده است. دولت پاکستان معتقد است این کشور بر اساس اصل جانشینی دولت‌ها، به جای هند تحت کنترل انگلیس، بر مردم و سرزمین مناطق مسلمان نشین شبه‌قاره حاکمیت مطلق دارد (Farzana, 2009: 201-202). برخلاف دولت پاکستان، هیچ یک از دولت‌های حاکم در افغانستان از بدو تأسیس پاکستان تاکنون این خط را به رسمیت نشناخته‌اند (رشید، ۱۳۷۹: ۲۹۱). لویه جرگه<sup>۱</sup> پس از استقلال پاکستان در ژوئن ۱۹۴۹ توافقنامه دیوراند را ملغی اعلام کرد و از دولت این کشور خواست آن را به عنوان مبنای مرزهای بین‌المللی با پاکستان نپذیرد (Research study on cross, 2009:13). محمد ظاهرشاه سال ۱۹۵۵ خواستار الحاق پشتونستان به افغانستان شد و در تقویم افغانستان «روز پشتونستان» درج شد و در نقشه جهانگردی افغانستان در سال ۱۹۶۹، پشتونستان و بلوچستان اضافه شد. حتی امارت نخست طالبان (۱۹۹۶-۲۰۰۱) خط دیوراند را به عنوان مرز بین‌المللی نپذیرفت. ملا عمر رهبر وقت طالبان به‌رغم اعمال فشار شدید سازمان‌های امنیتی پاکستان، از پذیرش این خط سرباز زد (Jalal, 2014: 320). حامد کرزای رئیس‌جمهور سابق افغانستان با اعلام اینکه هیچ دولتی در افغانستان دیوراند را به رسمیت نخواهد شناخت، این خط را نه مرز رسمی بلکه «مرز فرضی» خوانده و سال ۲۰۰۸ آن را خط تفروخواند که قوم پشتون را تجزیه کرده است (Mazhar and Goraya, 2009: 209). اشرف غنی نیز تندترین انتقادات را نسبت به سیاست پاکستان ابراز داشت. او در اولین سخنرانی به عنوان رئیس‌جمهور افغانستان گفت: «مشکلات افغانستان عناصر خارجی دارد (مشیرزاده و عارفی، ۱۴۰۰: ۳۲۳)». وی برای کاهش نفوذ پاکستان در افغانستان، می‌کوشید روابط با چین را گسترش دهد. امرالله صالح معاون اول اشرف غنی هفتم سپتامبر ۲۰۲۰ گفت: «هیچ سیاستمدار افغان نمی‌تواند مسئله دیوراند را نادیده بگیرد. شهر پیشاور زمانی پایتخت زمستانی افغانستان بوده و غیرواقع‌بینانه است پاکستان از دولت افغانستان انتظار داشته باشد که آن را رایگان هدیه دهد (kaura: 2020)». موضع طالبان درباره خط دیوراند پس از سال ۲۰۲۱ نیز تغییری نکرده است. حتی نیروهای ویژه امارت اسلامی افغانستان در اواخر سال ۲۰۲۱، بخشی از سیم‌های خاردار مرز دیوراند در ولایت ننگرهار را جمع‌آوری و پاره کرد و به نظامیان پاکستانی هشدار دادند اگر به خاک افغانستان چشم بدوزند، علیه آن‌ها وارد جنگ خواهند شد (Lalzoj: 2021). پس از آن نیز چندین بار میان نیروهای طالبان و

۱. یا مجمع ریش سفیدان، مهمترین نهاد سنتی متنفذ در افغانستان است. لویه جرگه درباره مهمترین مسائل افغانستان در مقاطع گوناگون تصمیم‌گیری می‌کند.

پاکستان در اطراف دیوراند درگیری رخ داد. پاکستان طی سال‌های اخیر در بخش‌هایی از خط دیوراند، موانعی نصب کرده بود که با واکنش تند طالبان مواجه شد. در پی کشته شدن هفت سرباز پاکستان، دولت این کشور ضمن ابراز نگرانی از فعالیت گروه تحریک طالبان نسبت به سکوت امارت اسلامی افغانستان به شدت اعتراض کرد. عاصم افتخار سخنگوی وزارت خارجه پاکستان آوریل ۲۰۲۲ گفت: «تروریست‌ها از خاک افغانستان بدون هیچ مجازاتی برای فعالیت در داخل پاکستان استفاده می‌کنند». پس از آن بود که بخش‌های مرزی ولایت‌های کنر و خوست را بمباران کرد و در اثر آن حدود ۵۰ افغان کشته شدند (aljazeera.com/news/2022/4/17). ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان هم در واکنش به حملات پاکستان آن را ظالمانه خواند و در توثیقی نوشت: «حکومت طالبان» بر پاکستان صدا می‌کند که حوصله افغان‌ها را در چنین مسائلی نه آزمایشد و دیگر چنین اشتباه را تکرار نکند، ورنه [و اگر نه] پیامد بدی خواهد داشت (خامه پرس، ۱۶ آوریل ۲۰۲۲). نیروهای طالبان و دولت پاکستان در طول سال ۲۰۲۲ چندین بار درگیر شدند و حتی یک‌بار پاکستان اعلام کرد که برای سرکوب تحریک پاکستان، در داخل افغانستان، عملیات انجام خواهد داد که با واکنش تند طالبان مواجه شد.

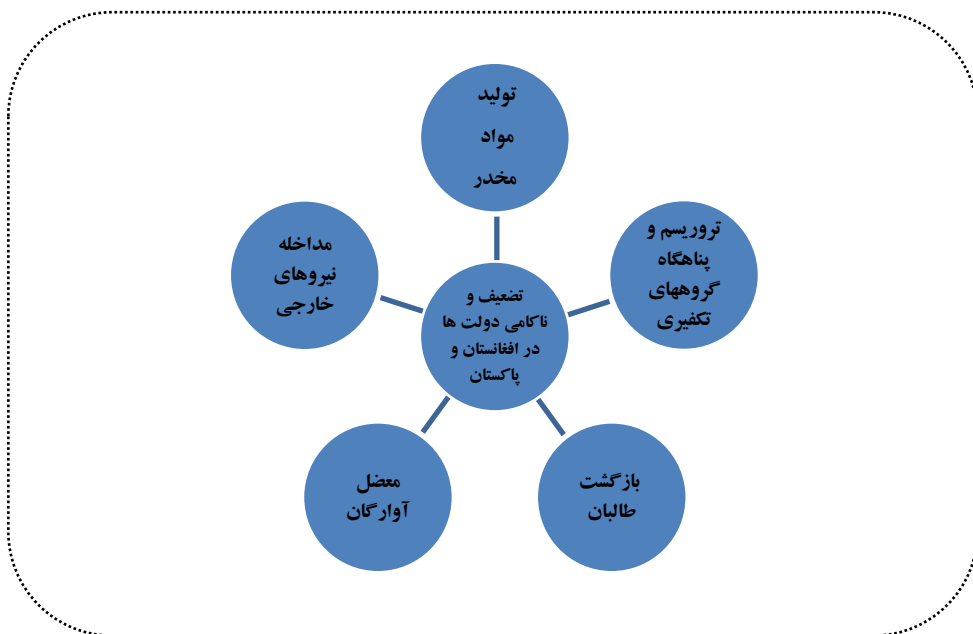
## ت-پیامدهای امنیتی عدم اشباع سرزمینی همسایگان شرقی

با توجه به مواضع افغانستان در قبال دیوراند، پاکستان همواره یک افغانستان ضعیف و بی‌ثبات را به ویژه با حکومت قومی تحت کنترل پشتون‌ها، به یک کشور قدرتمند و یکپارچه ترجیح داده‌است. «استقرار دولتی هوادار پاکستان در کابل تنها یک آرمان ملی برای پاکستانی‌ها نیست، بلکه ضرورتی اجتناب ناپذیر است. بقای پاکستان بستگی تام و کمالی به وجود دولت هماهنگ با سیاست‌های پاکستان در افغانستان دارد (ملازهی، ۱۳۸۴: ۸۱). این موضوع، عنصر مستمر در راهبرد سیاست خارجی پاکستان بوده به طوری که با تغییر دولت‌های این کشور طی هفت دهه اخیر تغییر نکرده است. پاکستان به دنبال آن بوده که افغانستان را حوزه نفوذ و عمق راهبردی خود قرار داده و به همین دلیل همواره خود را برادر بزرگ‌تر دانسته و به افغانستان به عنوان «ایالت پنجم» نگاه کرده‌است؛ در مقابل افغان‌ها در طول تاریخ معاصر با این نگاه مخالف بوده‌اند (Group Asia Crisis Briefing, 2021:3).

مهم‌ترین نتیجه راهبرد پاکستان در قبال افغانستان ایجاد «دولت ضعیف»<sup>۱</sup> در کابل است که گاهی اوقات به دولت ورشکسته یا ناکام هم منجر می‌شود. دولت ضعیف به دولت‌های بی‌ثباتی گفته می‌شود که دولت مرکزی از اقتدار لازم برای کنترل سرزمین و اعمال حاکمیت برخوردار نیست. لذا در سایه ضعف دولت مرکزی، فضا بیش از پیش، برای ظهور چالش‌گران محلی به ویژه گروه‌های تروریستی فراهم می‌شود. در دولت‌های ضعیف و ورشکسته، دولت مرکزی، «انحصار» بکارگیری زور را از دست می‌دهد و یک رقابت خشونت‌آمیز تنگاتنگ میان مدعیان حکومت برای کسب قدرت شکل می‌گیرد (رکابیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۹۵). دولت‌های ضعیف و ورشکسته نه تنها شهروندان خود، بلکه امنیت همسایگان را نیز با سرازیر کردن موج آوارگان، بی‌ثباتی سیاسی و انتقال سلاح، تهدید می‌کنند.

ایران برخلاف راهبرد ثابت پاکستان، با اشراف نسبت به پیامدهای امنیتی ظهور دولت‌های ضعیف در همسایگی خود، همواره به دنبال تقویت دولت مرکزی در کابل بوده است و این عمده‌ترین تفاوت در راهبرد ایران و پاکستان در قبال همسایه مشترک خود است. دولت افغانستان به دلیل حمایت ایران از مجاهدین در طول جنگ شوروی ۱۹۷۹-۱۹۸۹، حمایت از برهان‌الدین ربانی ۱۹۹۲-۲۰۰۱ و جبهه شمال در رویارویی با طالبان مدیون این کشور باقی خواهد ماند. ایران به رغم محدودیت‌های شدید مالی، در نشست‌های مختلفی که پس از سقوط امارت اسلامی نخست طالبان برگزار شده از جمله «کنفرانس بن» در ردیف کمک‌کنندگان ثابت به دولت مرکزی افغانستان بوده و بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ مبلغ ۵۴۰ میلیون دلار برای بازسازی افغانستان متقبل شد و این کمک در سال‌های بعدی نیز تداوم یافت (Koepke, 2016: 145-148). ایران طی چهار دهه اخیر از اخراج آوارگان افغان که نتیجه آن فشار بر کابل است، خودداری کرده است. اگرچه سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی در قبال افغانستان، در ضدیت با پاکستان نبوده و برخی رقابت‌های دو کشور به ویژه در سال‌های نخست پس از انقلاب اسلامی در حمایت از جنبش‌های اسلامی همسو، نوعی رقابت طبیعی محسوب می‌شود، اما راهبرد پاکستان به ویژه در شکل‌گیری و به قدرت رسیدن مجدد طالبان، مستقیماً بر امنیت ملی ایران تأثیر گذاشته است. ضعف‌سازی و ناکامی دولت در افغانستان و به تبع آن پاکستان به شیوه‌های گوناگون امنیت ملی جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار داده که به اختصار توضیح داده می‌شود (شکل شماره ۱).

1 . Weak state



شکل شماره ۱- پیامدهای اختلافات مرزی پاکستان و افغانستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی

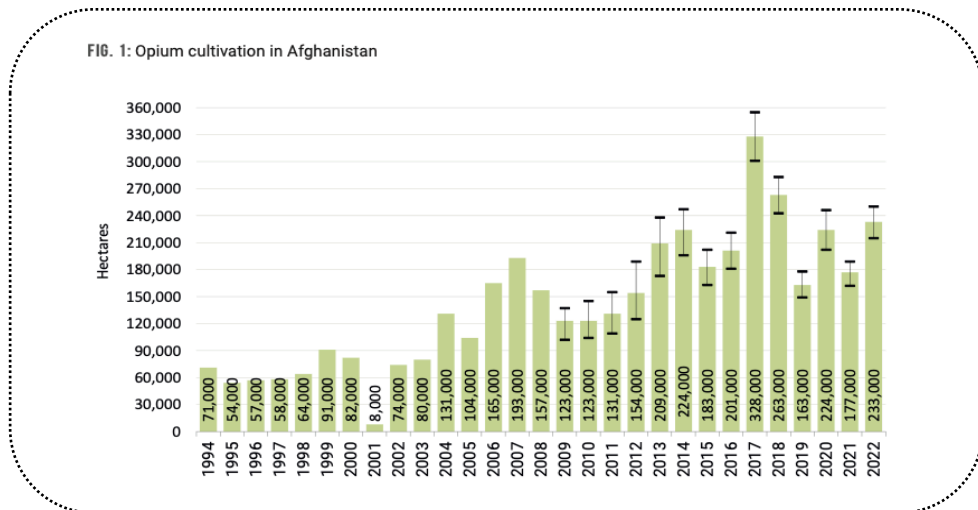
(منبع: نگارندگان)

## ۱- تولید و توزیع مواد مخدر

با توجه به تحول مفهوم تهدید، مواد مخدر در رده مصادیق تهدیدهای نوین قرار می‌گیرد. کشت خشخاش، تولید و قاچاق مواد مخدر یکی از ملموس‌ترین پیامدهای عدم اشباع سرزمینی و تبدیل افغانستان به دولت ضعیف و ناکام است. عدم اعمال حاکمیت مؤثر افغانستان به ویژه در مناطق جنوبی و غربی خود و نیز ناتوانی دولت فدرال پاکستان در کنترل مناطق قبایلی، فضای مساعدی برای گسترش کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر فراهم آورده است. استمرار این وضعیت که به صنعت بسیار پیچیده‌ای تبدیل شده، هزینه‌های امنیتی ایران را بیش از پیش افزایش داده است.

بر اساس آمار سازمان ملل متحد، سطح کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان این کشور را به کانون نخست تولید آن در دنیا تبدیل کرده است. امروزه افغانستان حدود ۸۰ درصد مواد مخدر دنیا را تأمین می‌کند. تولید مواد مخدر در افغانستان قبل از حضور نیروهای خارجی در سال ۲۰۰۱، بالغ بر ۲۰۰ تن بود ولی در سال ۲۰۰۹، سالانه به ۸ هزار تن رسید که افزایشی ۴۰ برابری را نشان می‌دهد.

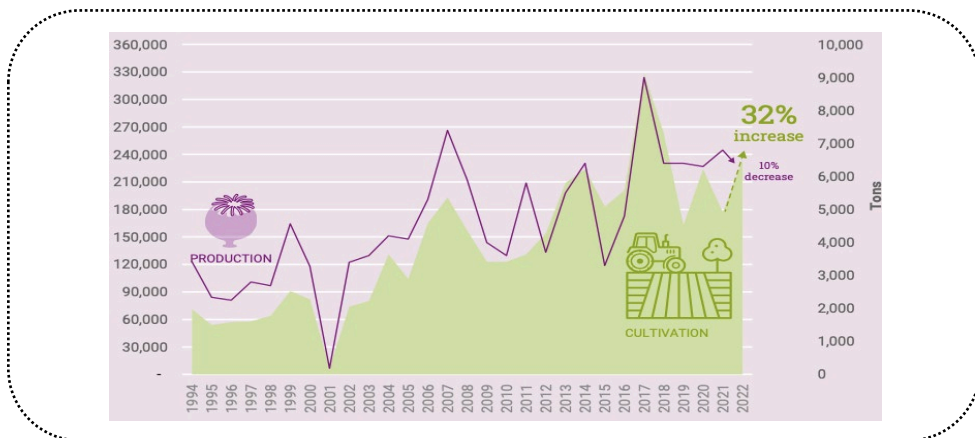
در سال ۲۰۱۵، ۱۸۳ هزار هکتار از مزارع افغانستان زیر کشت خشخاش رفته بود، این میزان در سال ۲۰۱۶ با ۱۵ درصد افزایش به ۲۰۰ هزار هکتار رسید و تولید مواد مخدر از ۳۳۰۰ تن در سال ۲۰۱۵ به ۴ هزار و ۸۰۰ تن در سال ۲۰۱۶ افزایش یافت. گزارش‌های سازمان ملل مؤید این افزایش است. بر اساس گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۱۷، سطح کشت تریاک در افغانستان با ۶۳ درصد افزایش به رقم بی‌سابقه ۳۲۸ هزار هکتار افزایش یافت. این در حالی است که سال قبل این میزان ۲۰۱ هزار هکتار بود. میزان تولید مواد مخدر نیز در این سال با افزایش ۸۷ درصد نسبت به سال قبل به ۹ هزار تن افزایش یافت. بر اساس آمار سازمان ملل، تولید مواد مخدر در افغانستان در سال ۲۰۱۸ به ۲۶۳ هزار هکتار رسید. این آمار طی سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ به ترتیب به ۱۶۳ هزار و ۲۲۴ هزار هکتار بود. میزان سطح زیر کشت خشخاش در افغانستان در سال ۲۰۲۱ نسبت به سال قبل با کاهشی ۲۱ درصدی به ۱۷۷ هزار هکتار رسید. ولی میزان برداشت آن حدود ۶ هزار و ۸۰۰ تن برآورد شده که نسبت به سال قبل از آن ۵۰۰ تن یعنی ۸ درصد بیشتر بوده و میانگین برداشت محصول در هر هکتار ۳۸/۵ کیلوگرم شده است. (UNODC, 2021: 3-5) (نمودار-۱) ارزش این میزان تولید مواد مخدر، حدود ۱/۸ تا ۲/۸ میلیارد است که بین ۹ تا ۱۴ درصد تولید ناخالص داخلی افغانستان را تشکیل می‌دهد (UNODC, 2021: 35).



نمودار شماره ۱- سطح زیر کشت مواد مخدر در افغانستان ۱۹۹۴-۲۰۲۱

(Source: UNDOC, 2022: 12)

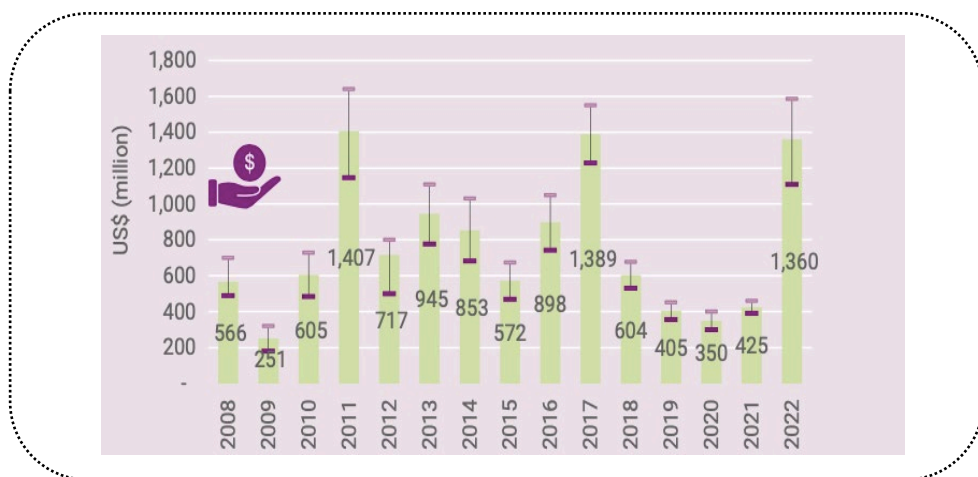
در سال ۲۰۲۲ در حکومت تحت کنترل طالبان، سطح زیر کشت خشخاش ۳۲ درصدی افزایش یافت. در مجموع با افزایش ۵۶ هزار هکتاری به حدود ۲۳۳ هزار هکتار برسد (نموار-۲) (Unodc,2022: 12) این مسئله موضوع نارتروریسم<sup>۱</sup> و پیوند گروه‌های تروریستی با مواد مخدر را در افغانستان برجسته کرده و دستیابی آن‌ها را به منابع سرشار حاصل از تجارت مواد مخدر را تسهیل کرده است. گسترش کشت و تولید مواد مخدر در حکومت طالبان در سایه عدم کنترل و نظارت‌های لازم، پیامد منفی را از نظر گسترش قاچاق این مواد در ایران و سایر نقاط دنیا خواهد داشت.



نمودار شماره ۲- افزایش سطح زیر کشت و تولید مواد مخدر در حکومت طالبان (۲۰۲۲)

(Source: UNDOC, 2022: 4)

اگرچه هبت‌الله آخوندزاده رهبر امارت اسلامی افغانستان در آوریل ۲۰۲۲ (۱۴ فروردین ۱۴۰۱) طی فرمانی، برای رضایت جامعه بین‌المللی، کشت خشخاش را در سراسر افغانستان ممنوع کرد، اما گذشت یک سال و نیم از بازگشت طالبان به قدرت نشان داد که در اقتصاد بی‌سروسامان افغانستان که هیچ محصولی جایگزین کشت خشخاش نشده، این فرمان نمادین، بیشتر در جهت منافع طالبان و کشت‌کنندگان خشخاش صادر شده است، زیرا با اعلام ممنوعیت کشت خشخاش نه تنها کشت خشخاش کمتر نشد بلکه تا ۳۲ درصد افزایش یافت و مهم‌تر از آن، قیمت خشخاش از ۴۲۵ میلیون دلار در سال ۲۰۲۱ به حدود ۱/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ یعنی تا ۳ برابر افزایش یافت و طالبان توانست بازدهی یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی‌اش را به‌طور قابل توجهی افزایش دهد (نمودار-۳).



نمودار شماره ۳- روند افزایش قیمت خشک‌شده (2008-2022)

(Source: UNDOC, 2022: 6)

کشت و تجارت بین‌المللی مواد مخدر در افغانستان به صنعتی تبدیل شده که بخش عمده‌ای از اقسار مختلف افغانستان و حکومت‌های افغانستان و پاکستان در آن فعال‌اند. بخش عمده مواد مخدر در استان هلمند، فراه و نیمروز واقع در مجاورت ایران و پاکستان، تولید می‌شود؛ که باعث شده جمهوری اسلامی به عنوان یکی از کوتاه‌ترین راه‌های ترانزیت مواد مخدر به اروپا تلقی شود. بر این اساس، رابطه مستقیمی بین افزایش تولید مواد مخدر در افغانستان و پاکستان با افزایش تهدیدات امنیت ملی ایران وجود دارد. این تهدید زمانی نمود بیشتری پیدا می‌کند که مواد مخدر صنعتی جایگزین مواد مخدر سنتی شود. در این راستا، وجود آزمایشگاه‌های مدرن مستقر در افغانستان و پاکستان، خسارت‌های وارده را به جوامع منطقه به چند برابر افزایش داده است. (سجادی‌پور و جهانبخش، ۱۳۹۳: ۶۰) کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان که بیش از ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با ایران دارد، دارای پیامد مستقیم امنیتی است. عبور مواد مخدر از قلمرو ایران باعث می‌شود پدیده اعتیاد به بحران چند لایه‌ای تبدیل شود که بخش زیادی از نیروهای جوان و خلاق ایرانی مبتلا شوند و هزینه‌های اجتماعی بسیاری بر امنیت در سطح خرد در ایران بار شود. تبدیل مواد مخدر سنتی به مواد مخدر صنعتی نیز باعث می‌شود جسم و روان نیروی جوان ایرانی را با تهدید جدی مواجه کند. از آنجا که نیروی انسانی، مهمترین عامل توسعه است، اعتیاد می‌تواند این عامل توسعه را به مانع آن تبدیل کند. طبق اعلام سردار مؤمنی دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر نهاد ریاست جمهوری: «بیش از

۹۰ درصد تریاک جهان در همسایگی ایران تولید می‌شود؛ بیش از ۹۲ درصد کشف مواد مخدر، ۵۲ درصد کشف مرفین، ۲۷ درصد کشف هروئین جهان در ایران صورت می‌گیرد. ایران در راستای سیاست مبارزه با مواد مخدر، تاکنون ایران چهار هزار شهید و ۱۲ هزار جانباز در عرصه مبارزه با مواد مخدر تقدیم کرده است» (خبرگزاری فارس: ۱۴۰۱)؛ و مبارزه با مواد مخدر، بخشی از توان نیروهای انتظامی و امنیتی جمهوری اسلامی را از بین برده است.

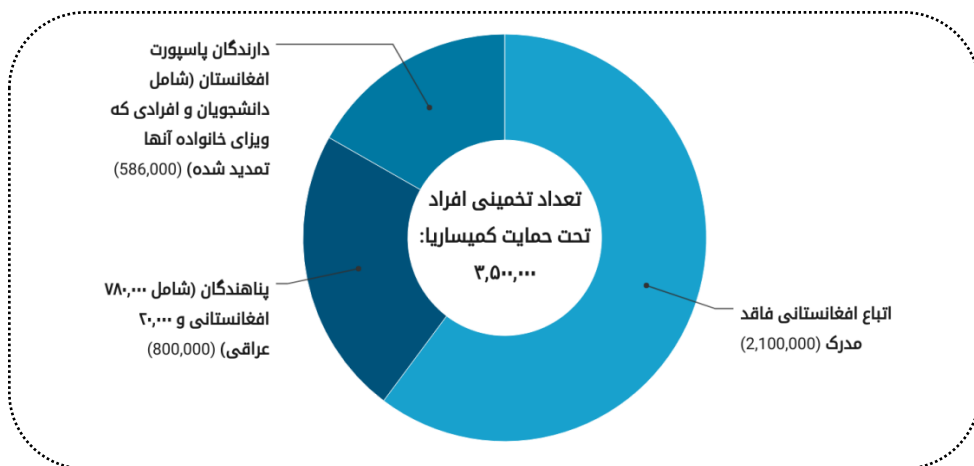
## ۲- تداوم مسئله آوارگان افغان

حمله ارتش سرخ به افغانستان در دسامبر ۱۹۷۹ موجب آوارگی شش میلیون شهروند افغان شد. معدودی از این آوارگان که توان مالی مناسبی داشتند، به اروپا مهاجرت کردند و بقیه به ایران و پاکستان پناهنده شدند. بیش از ۳/۳ میلیون افغانستانی در ۳۰۰ اردوگاه در ایالت سرحد شمالی ساکن شدند (Research study on cross, 2009:7). این در حالی بود که شرایط خاص سال نخست پیروزی انقلاب موجب پراکنده شدن آوارگان افغانستانی در مناطق بسیار گسترده‌ای از ایران شد. این پراکندگی که چهار دهه تداوم یافته، پیامدهای بسیاری داشته است. ایران از یک سو، به رغم تعداد بسیار فراوان آوارگان، به علت ثبت نشدن آن‌ها، قادر به دریافت کمک‌های بین‌المللی نبوده، از سوی دیگر، به راحتی قادر به بازگرداندن آن‌ها به افغانستان بعد از چند دهه زندگی در ایران، نبوده است (European Asylum Support Office: 2021:71). تداوم بحران در افغانستان موجب طولانی شدن مسئله آوارگی افغانها در ایران شده است. به‌رغم اینکه ۴/۸ میلیون نفر از آوارگان طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۵ به افغانستان بازگشتند و روند بازگشت افغانها از ایران طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸ شدت گرفت به‌گونه‌ای که ۴۵۰ هزار نفر در سال ۲۰۱۷ و ۷۷۳ هزار نفر در سال ۲۰۱۹ به افغانستان بازگشتند (European Asylum Support Office: 2021:70)؛ با بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱ و ترس از رفتارهای خشونت‌بار آن‌ها، شاهد موج جدیدی از آوارگان افغانی به سوی مرزهای شرقی ایران بودیم و پیش‌بینی می‌شود با افزایش نامنی و بحران گرسنگی در حکومت طالبان، هجوم آوارگان افغانی به ایران همچنان تداوم یابد (Scale up support to Iran, 21 Dec 2021).

درباره تعداد آوارگان افغان در ایران آمار دقیقی وجود ندارد، کمیساریای سازمان ملل در امور پناهندگان در سال ۲۰۲۲ اعلام کرد که حدود ۳/۵ میلیون افغانستانی در ایران اقامت دارند که از این تعداد حدود ۷۸۰ هزار نفر ثبت نام شده و ۲/۲ میلیون نفر فاقد مدرک هستند و حدود ۵۰۰ هزار تا



یک میلیون نفر پس از تسلط طالبان در آگوست ۲۰۲۱ وارد کشور شدند (UNHCR, 2022) (شکل شماره ۲) در این میان، برخی اخبار غیررسمی حاکی است که حدود ۶ تا ۸ میلیون افغان در ایران سکونت دارند که حدود ۶ تا ۱۰ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند. حضور چندین میلیون افغان در ایران زمینه را برای افزایش معضلات اجتماعی مانند توزیع و قاچاق مواد مخدر افزایش می‌دهد. پاکستان با مدیریت آوارگان افغان، عملاً پروژه هزینه‌مندسازی آوارگان را برای ایران تداوم بخشیده است. تحصیل حدود ۴۰۰ هزار دانشجو و دانش آموز افغان، در شرایطی که جمهوری اسلامی مشکلات اقتصادی فراوانی دارد، هزینه‌های خدمات اجتماعی زیادی از جمله واکسیناسیون را بر دولت ایران تحمیل کرده است. در عصر گسترش ارتباطات، طی ماه‌های اخیر برخی اقدامات هدفمند برای دشمن سازی مردم ایران و افغانستان در شبکه‌های اجتماعی ترویج یافته است. در این رابطه، فضا سازی منفی ایران‌هراسی در افغانستان و افغانستان‌هراسی در ایران با پخش و نشر گسترده و وسیع کلیپ‌ها و اعلامیه‌های جعلی و برنامه‌ریزی شده علیه دو کشور همراه بود. این نوع برجسته‌سازی‌های مجازی هدفدار، به برخی تنش‌ها بین دو کشور منجر شده و موجب نادیده گرفتن میزبانی پرهزینه چهار دهه‌ای میلیون‌ها افغانها توسط ایران، شده است. آوارگان افغان با افزایش قیمت مواد غذایی در ایران نیز با معضلات بسیاری مواجه خواهند شد که تبعات امنیتی به دنبال دارد. حضور افغانها در بازار کار ایران که حاضرند با دستمزد پایین‌تر فعالیت کنند، موجب می‌شود برخی از کارفرمایان ایرانی به ویژه



شکل شماره ۲- افغانستانی‌های تحت حمایت کمیساریا در ایران (۲۰۲۲)

(Source: UNHCR, 2022)

در بخش‌های ساختمانی که دغدغه بیمه کارگران افغان را هم ندارند، از بکارگیری نیروی کار ایرانی خودداری کرده و به این دلیل موجب افزایش مضاعف بیکاری شوند. وخامت وضعیت معیشتی در ایران، رابطه مستقیمی با اعتراضات اجتماعی و امنیتی دارد.

### ۳- مداخله بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

یکی از مهمترین پیامدهای عدم اشباع سرزمینی، مداخلات بازیگران خارجی است. افغانستان به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه و قرار گرفتن در همجواری آسیای میانه، جنوب آسیا و خاورمیانه، همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. ترکیب این موقعیت جغرافیایی با ضعف دولت مرکزی، چرخه‌ای از حضور خارجی‌ها را در افغانستان موجب شده است. افغانستان از نظر تاریخی کانون مداخله قدرت‌های خارجی بوده است. افغانستان تنها کشور دنیاست که در طول یک قرن و نیم گذشته مورد تهاجم سه قدرت بزرگ یعنی بریتانیا، شوروی و آمریکا قرار گرفت. با این حال، این قدرتها نتوانسته‌اند آن را مطابق ترجیحات ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی خود شکل دهند و به همین دلیل افغانستان، سرزمین «غیرقابل تصرف و قبرستان کشورهای» که به دنبال تصرف آن بوده‌اند، لقب گرفته است (Saikel, 2018: 22).

جریان‌های وهابیت و دیوبندی که در شبه‌قاره به هم پیوسته‌اند، همزمان با حمله ارتش سرخ به افغانستان و پیروزی انقلاب اسلامی بازتولید شده و چالش‌های جدی فراروی امنیت ملی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران ایجاد کردند. از نظر تاریخی در سال ۱۹۷۹ دو اتفاق همزمان رخ داد: نخست حمله ارتش سرخ در دسامبر ۱۹۷۹ به افغانستان؛ و دوم پیروزی انقلاب اسلامی ایران. با حمله ارتش سرخ، بحران مرزی افغانستان و پاکستان وارد مرحله بین‌المللی شد در واقع با حمله شوروی، مرز دیوراند به مرز ایدئولوژیکی دنیا تبدیل شد؛ و با مداخلات منطقه‌ای و بین‌المللی بستر ساز شکل‌گیری گروه‌های تروریستی در این دو کشور شد. با حمله ارتش سرخ میلیون‌ها افغان به پاکستان آواره شدند. در آن مقطع ائتلاف مثلث راهبردی میان آمریکا- پاکستان- عربستان ایجاد شد و هر یک منافع خود را که با دیگران تقارن داشت، دنبال می‌کردند. مهمترین هدف پاکستان از نقش‌آفرینی در افغانستان به بهانه مقابله با شوروی، جلوگیری از احیای ناسیونالیسم افغانستانی بود و می‌خواست افغانستان را به عمق راهبردی خود تبدیل کند. ضی‌الحق رئیس‌جمهور وقت پاکستان اطمینان داشت مجاهدین یک دولت میانه‌رو و طرفدار پاکستان در کابل به وجود می‌آورند و به این دلیل جهاد در افغانستان را

ابزاری تلقی می‌کرد که به وسیله آن می‌تواند برای همیشه به ادعاهای مرزی پایان دهد. ضیاءالحق کوشید پاکستان را به عنوان خط مقدم جهان اسلام در مقابل جهان کمونیسم معرفی کند (Weinbaum, 1991: 73).

آمریکا با عنوان مقابله با امپراتوری شوروی و جهت جلوگیری از پیشروی آن به سوی ذخایر نفت دنیا، وارد میدان شد، به پاکستان ۴۰۰ میلیون دلار کمک کرد. سازمان سیا کمک‌های زیادی را برای جنگ روانی، رسانه‌ای، تأسیس رادیو و کمک‌ها در حوزه امدادی به جنگ علیه شوروی اختصاص داد. سیا در سال ۱۹۸۶ توانست موافقت گسیل جنگجویان اسلامگرا از سراسر جهان به پاکستان را کسب کند. عربستان نیز این وضعیت را فرصت بی‌نظیری برای ترویج وهابیت می‌دانست. از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۲ بیش از ۳۵ هزار نفر از ۳۴ کشور خاورمیانه، شمال و شرق آفریقا، آسیای مرکز و شرق دور وارد پاکستان شدند و همراه صدها هزار پاکستانی و افغان در این جهاد درگیر شدند. اکثر آن‌ها در مدارس مذهبی در پاکستان آموزش می‌دیدند (رشید، ۱۳۷۹: ۱۲۹-۱۳۰). مدارس مذهبی با سرمایه فکری-مالی سعودی‌ها به ویژه در مناطق فقیرنشین و اردوگاه‌های آوارگان افغانی نیرو جذب می‌کرد. بخشی از سه میلیون آواره افغانستانی که دولت پاکستان توان برآوردن نیازهای اولیه آن‌ها را نداشت، جذب این مدارس می‌شدند. این مدارس که اکثراً شبانه روزی بودند، آموزش، مسکن و غذای دانش آموزان را نیز فراهم می‌کردند. به رغم فشارهای شدید، دولت فدرال پاکستان نتوانسته بر این مدارس کنترل یابد.

با خروج ارتش سرخ از افغانستان در فوریه ۱۹۸۹ سیاست پاکستان تغییر نکرد و ضیاءالحق، مانند گذشته تلاش خود را به جلوگیری از وحدت و تمرکز قدرت در کابل معطوف کرد و معتقد بود این بهترین ضمانت برای آینده پاکستان است (Weinbaum, 1991: 7). با خروج ارتش سرخ، بدر نیروهای تروریستی که در این منطقه کاشته شده بود، به ثمر رسید. صدها هزار جنگجوی افغان، پاکستان و عرب که ذیل ایدئولوژی وهابیت آموزش دیده بودند، به تهدیدی جدی برای کشورهای عربی از جمله عربستان تبدیل شدند؛ از این رو بار دیگر منافع مثلث راهبردی عربستان، پاکستان و آمریکا ایجاب می‌کرد نیروهایی که علیه شوروی تجهیز شده بودند، به گونه دیگری سامان یابند و برای جلوگیری از بازگشت آن‌ها به کشورهای عربی، در قالب «طالبان» سازمان یابند؛ طالب‌ها همان دانش آموزان مدارس دینی بودند که با مدیریت القاعده مرام وهابیت آموخته بودند. «سازمان اطلاعات پاکستان» نقش حلقه واسط آمریکا-عربستان با افغانها را ایفا می‌کرد. ستیزه جویان پشتو برای

نخستین بار در سال ۱۹۹۲ در منطقه سوات خیبر در ایالت سرحد شمالی با ایجاد جنبش نفاذ شریعت محمدی به رهبری صوفی محمد که وی را پدرخوانده طالبان می خوانند، اعلام وجود کردند (اسپوزیتو، ۱۳۹۶: ۱۶۵). عربستان از طریق جمعیت العلمای اسلام، حمایت لجستیکی گسترده‌ای از طالبان به عمل آورد. نه تنها علمای مذهبی وهابی‌های بلکه کمپانی های نفتی سعودی نیز به شدت در این زمینه فعال بودند (Cornell, 2006: 273).

ارتش پاکستان انتظار داشت طالبان، ناسیونالیسم پشتون را در ایالت سرحد مهار و برای بنیادگرایان اسلامی پاکستان، جاذبه‌ای در افغانستان به وجود آورند و به این ترتیب مانع شکل گیری جنبش اسلامی در درون این کشور باشند؛ اما عکس قضیه اتفاق افتاد. طالبان حاضر نشد خط دیوراند را به رسمیت بشناسد. طالبان ناسیونالیسم پشتون را با صبغه دینی ترویج و به این ترتیب پاکستان را تحت فشار قرار داد (رشید، ۱۳۷۹: ۲۹۱). حضور گسترده نظامی آمریکا در افغانستان برای مقابله با القاعده پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، تهدیدی مستقیم علیه جمهوری اسلامی بود. استقرار نیروهای ناتو در افغانستان نیز تهدیدی جدی برای جمهوری اسلامی محسوب می شد. همزمان با فروپاشی دولت اشرف غنی، مانند گذشته، دور دیگری از رقابت های قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای در افغانستان آغاز شد به این دلیل از اصطلاح «بازی نیمه بزرگ» که یادآور بازی بزرگ کلاسیک در منطقه است، استفاده می شود (مشیرزاده و عارفی، ۱۴۰۰: ۳۳۴). در صورتی که دولت مرکزی افغانستان تثبیت نشود که البته با توجه به ترکیب غیرفراگیر امارت اسلامی افغانستان و سیاست های انقباضی آن علیه غیرپشتون، چشم انداز روشنی وجود ندارد و به این دلیل می توان پیش بینی کرد که رقابت های خارجی همچنان در افغانستان تداوم خواهد یافت.

حضور نظامی دو دهه ای آمریکا در افغانستان و نخستین ماموریت فرامرزی ناتو در مرزهای شرقی ایران، تهدید بسیار بزرگ امنیت برای جمهوری اسلامی تلقی می شد. با حضور گسترده نظامیان آمریکایی در مرزهای غربی در سال ۲۰۰۳ ایران، به نوعی توسط نیروهای آمریکایی - که در جنوب کشور نیز حضور داشتند، محاصره شد. دو دهه طول کشید تا حضور نظامیان آمریکایی در مناطق همسایه شرقی و غربی ایران خاتمه یافت. همچنانکه استقرار نظامیان آمریکایی در این مناطق برای ایران تهدید بود، نوع خروج آن ها نیز به ویژه در افغانستان، تهدید آفرین بوده است. طالبان پس از خروج نظامیان آمریکایی، خود را پیروز میدان می داند و معتقد است نظام بین المللی را شکست داده و

اینک از هیچ نیروی خارجی احساس ترس نمی‌کنند. آمریکا حتی در سال ۲۰۱۷ از «مادر بمب‌ها»<sup>۱</sup> که ۹ هزار و ۹۷۹ کیلو گرم بود، نیز علیه القاعده استفاده کرد (aljazeera: 2017). حضور دو دهه‌ای آمریکا نه تنها زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی در افغانستان را تقویت نکرد بلکه افغانستان همچنان یک دولت ناکام، است که برای جمهوری اسلامی کانون تهدید تلقی می‌شود.

#### ۴- پناهگاه تروریسم و گروه‌های تکفیری

عدم اشباع سرزمینی در افغانستان و پاکستان، صرفاً به حضور کشورهای خارجی و بازیگران رسمی سیاست بین‌المللی منتهی نشده بلکه بستر امنی را برای فعالیت گروه‌های تروریستی فراهم کرده‌است. رابطه تنگاتنگی بین اعمال حاکمیت داخلی و اشباع سرزمینی وجود دارد (فراتی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۸۵). کشورهایایی که فاقد ویژگی اشباع سرزمینی هستند، قادر به انباشت قدرت به منظور اعمال حاکمیت مطلق نیستند، در نتیجه در این کشورها شاهد شکل‌گیری نیروهای گریز از مرکز بوده که با بکارگیری زور و اجبار حاکمیت دولت‌های مرکزی را به چالش می‌کشند و آن‌ها را به دولت‌های ضعیف یا ناکام تبدیل می‌کنند. وضعیت ناکامی باعث می‌شود که دولت ویژگی اساسی خود را که دارا بودن «حق» انحصاری استفاده از خشونت، است، از دست دهد. دولت‌های ناکام با ناتوانی در اعمال حاکمیت فراگیر، باعث شکل‌گیری حفره‌ها و نقاط کوری در داخل سرزمین می‌شوند که خارج از حیطه حاکمیت دولت مرکزی است. این نقاط مناسب‌ترین بستر برای گسترش تروریسم محسوب می‌شوند. محدود شدن فعالیت گروه‌های سلفی تکفیری در کشورهایی چون عراق و سوریه، بار دیگر جاذبه‌های افغانستان در دهه ۱۹۹۰ را برای این گروه‌ها یادآوری می‌کند. شیعیان به‌مثابه عمق راهبردی جمهوری اسلامی، همواره یکی از اهداف گروه‌های تکفیری بوده‌اند. غیر از القاعده، گروه‌های تروریستی در افغانستان، به آزادی عمل بیشتری دست یافته‌اند. البته امارات اسلامی افغانستان نیز در سال ۲۰۲۲ محدودیت‌های شدیدی علیه شیعیان اعمال کرد. از جمله احکام فقه جعفری را در نظام قضایی افغانستان ممنوع کرده‌است (Ahmadzai, 2022:14) و برخی رسوم و سنن شیعیان افغانستان مانند جشن نوروز را ممنوع و تعطیلی این روز را در تقویم رسمی افغانستان حذف کرده‌است.

ناتوانی افغانستان در به رسمیت شناخته شدن بین‌المللی و حتی مسدود شدن دارایی‌های افغانستان

1 . mother of all bombs

در آمریکا، موجب رویگردانی بیشتر از طالبان و پیوستن بسیاری از افراد به داعش شاخه خراسان شده است. طالبان کنونی در رقابت با داعش، افراطی تر می شود که نتیجه آن تضعیف شیعیان است. فعالیت «دولت اسلامی شاخه خراسان»<sup>۱</sup>، در افغانستان از تهدیدات مهم برای جمهوری اسلامی در دوره بازگشت طالبان به قدرت شده است. داعش شاخه خراسان که رقیب طالبان است، به دنبال راه‌هایی برای بد جلوه دادن طالبان و تضعیف مشروعیت آنهاست و می‌کوشد علیه روایت طالبان که مدعی استقرار صلح و ثبات در سراسر کشور پس از خروج آمریکا است، اقدام کند. شاخه خراسان که خود را بدیل طالبان می‌داند، فعالیت خود را از آگوست ۲۰۲۱ در افغانستان شدت بخشیده است. شاخه ولایت خراسان که ژانویه سال ۲۰۱۵ اعلام موجودیت کرد، در سال‌های بعد توانست افراد زیادی را از بین نیروهای افراطی طالبان جذب خود کند (Kugelman, 2019). موضوع دیگر که می‌تواند در افزایش توان گروه تروریستی داعش خراسان تاثیرگذار باشد، بحران فلج کننده اقتصادی در حکومت طالبان است که محیط مساعدی را برای افراد رادیکال و ناراضیان از وضع موجود جهت جذب در گروه تروریستی داعش فراهم می‌کند (Epstein, 2022). برخی از مقامات ضد تروریسم آمریکا معتقدند با سلطه طالبان بر افغانستان، شرایط برای رشد سلولهای القاعده و داعش نیز بیش از گذشته فراهم خواهد شد؛ به گونه‌ای که نیروهای خود را به ۴ هزار نفر افزایش داده و دامنه فعالیت آن به ۳۴ ولایت افغانستان گسترش یافته است (Goldbaum: 2022). طبق گزارش‌های جدید، این شاخه داعش، برخی فرماندهان و بزرگان قبایل در مناطق فاریاب، جوزجان، سرپل، مزار شریف، تخار، بدخشان و حتی در ولایت هرات در نزدیکی مرزهای ایران نیز جذب کرده است (Ahmadzai, 2022: 12).

پیوستگی شاخه خراسان با تحریک طالبان پاکستان، موجب شده، قدرت این گروه‌های ضدشیعی بشدت افزایش یابد و دامنه فعالیت آن‌ها در افغانستان گسترش یابد. با توجه به تجزیه پشتونها و بلوچ‌ها توسط خط دیوراند، هویت ساکنان هر دو سوی مرز به جای سوق یافتن به سمت پایتخت‌های خود، همچنان قومی و محلی باقیمانده است. ویژگی مرزهای دو کشور و اشتراکات فرهنگی، تاریخی و اجتماعی ساکنان دو سوی مرز دیوراند موجب شده به آن «مرز نرم»<sup>۲</sup> اطلاق شود (Research study on cross, 2009: 13). یکی از ویژگی‌های مرزهای نرم، به رسمیت نشناختن آن

1 . Islamic State Khorasan, or ISIS-K  
2 . Soft border

توسط ساکنان دو سوی مرز و تردد دائمی مرزنشینان از خط مرزی است. این ویژگی‌ها به علاوه نوع ساخت قدرت سیاسی-امنیتی در پاکستان، باعث شده ناکامی دولت در افغانستان به قلمرو پاکستان نیز سرایت کند. اگرچه ناکامی دولت در این کشور در سطح افغانستان نیست، اما به لحاظ بسیاری از شاخص‌های جهانی، در وضعیت وخیمی به سر می‌برد. ناامنی در مناطق قبایلی پاکستان بسیار بیشتر است. در کنار ساختارهای ضعیف داخلی، سیاست‌های جدید برخی از کشورهای منطقه‌ای در حمایت از برخی گروه‌های سلفی-تکفیری نیز موجب شده مرزهای شرقی ایران به کانون تهدید علیه امنیت ملی ایران تبدیل شود. تجربه چندین دهه اخیر حاکی از آنست که همواره بستری برای فعالیت گروه‌های تکفیری در یکی از کشورهای منطقه فراهم می‌شود و حتی گسیل نیروهای تکفیری به این مناطق تسهیل می‌شود. به نظر می‌رسد این بار مجدداً افغانستان همان بستر باشد.

اهمیت افغانستان برای گروه‌های تروریستی، از جنبه اقتصادی نیز مطرح است؛ که البته همین مسئله نیز برای جمهوری اسلامی تهدیدزا خواهد بود. کشت و قاچاق مواد مخدر هم محصول اقتصاد جنگی است و هم کمک زیادی به تدوام جنگ می‌کند. اگر دستیابی به چاه‌های نفت در عراق و سوریه برای ترورست‌ها اهمیت داشته است، کنترل و سلطه بر کشت و قاچاق مواد مخدر نیز دارای اهمیت اساسی برای این گروه‌ها است تا بخش از نیازمندیهای جنگی و اقتصادی خود را تأمین نماید (قادری: ۱۳۹۴) شاخه خراسان، هم با نفوذ در صنعت مواد مخدر افغانستان، می‌کوشد امارت اسلامی افغانستان را تضعیف کند. شاخه خراسان در همان روزهای نخست به قدرت رسیدن طالبان، با بمب‌گذاری انتحاری در میدان هوایی (فرودگاه) کابل درحالیکه غیرنظامیان به دنبال فرار از کشور بودند، ۱۸۳ نفر از جمله ۱۳ نظامی آمریکایی را ترور کرد. این گروه تروریستی پس از آن دهها حمله به ویژه علیه شیعیان افغانستان انجام داده‌است. در بمب‌گذاری انتحاری ۱۸ اکتبر ۲۰۲۲ مسجد شیعیان در کابل ۵۰ نفر و در حمله ۱۵ اکتبر به مسجد شیعیان قندور ۶۰ نفر کشته شدند (Steinberg and Albrecht: 2022) این گروه حملات مکرری به مراکز مذهبی و حتی مدارس هزاره در بخش‌های مختلف افغانستان انجام داده‌است. داعش در طول سال و ۲۰۲۳-۲۰۲۲ دهها عملیات انتحاری انجام داد.

مایکل کوگلمن<sup>۱</sup>، تحلیل‌گر مرکز ویلسون معتقد است با تدوام حاکمیت طالبان بر افغانستان، خشونت‌ها از سوی داعش خراسان افزایش خواهد یافت. امروزه نیز بیشتر حملات در افغانستان از سوی داعش است؛ زیرا داعش به عنوان رقیب طالبان، به دنبال بد جلوه دادن طالبان و تضعیف

1 . Michael Kugelmann

مشروعیت آن از طریق دامن زدن به تنش های فرقه ای، گسترش هرج و مرج و القای حس عمومی ناآرامی و ناامنی است. وی معتقد است که داعش می‌خواهد روایت طالبان از صلح و ثبات در سرتاسر افغانستان پس از خروج ایالات متحده را معکوس نماید (Epstein, 2022).

خطر گروه‌های تکفیری تنها به کشتار شیعیان در پاکستان و افغانستان محدود نمی‌شود بلکه پیوند این سازمانها با برخی گروه‌های معاند جمهوری اسلامی در مناطق شرقی، نیز تهدید علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. با توجه به شکست داعش در عراق و سوریه و نیز تحولاتی که در روابط ایران با آمریکا و اسرائیل رخ داده، برخی رقبای جمهوری اسلامی تلاش خواهند کرد که در شرق ایران، جبهه جدید جنگ نیابتی ایجاد کند. با توجه به برخی شرایط و نارسایی‌ها مانند نرخ رشد بالای جمعیت، کم سواد و بیسواد و فقر در استان سیستان و بلوچستان، این مشکلات با اختلافات مذهبی پیوند زده شده و از طریق برخی مدارس مذهبی، اندیشه تکفیری‌گری را در این مناطق ترویج داده می‌شود. جندالله و جیش العدل دو گروه شاخص در این زمینه هستند که برخی از مقامات سیاسی - امنیتی و حتی معلمین، کودکان، زنان و افراد غیر نظامی و عادی را ترور کرده‌اند. این گروه‌ها پس از سرکوب سران آنها، با حمایت خارجی بازتولید می‌شوند. ایجاد جنبش النصر توسط عبدالرئوف ریگی پس از جدایی از جیش العدل و حرکت الانصار ایران منشعب از جندالله مؤید این مسئله است. گروه‌های تکفیری در شرق کشور اقدامات تروریستی متعددی را مرتکب شده‌اند؛ که برای نمونه دو مورد اشاره می‌شود. در جریان حمله انتحاری به گردهمایی سران عشایر و فرماندهان نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی در مهر ماه ۱۳۸۸ بیش از ۴۰ نفر از جمله سردار نورعلی شوشتری، جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه در شهر سرباز استان سیستان و بلوچستان و چندین تن دیگر از فرماندهان سپاه و سران عشایر بلوچ به شهادت رسیدند. همچنین در جریان حمله تروریستی به اتوبوس حامیان نیروهای نظامی جمهوری اسلامی در بهمن ۱۳۹۷ در محور خاش - زاهدان ۲۷ نفر به شهادت رسیدند.

خطر حکومت طالبان این نیست که آنها در خارج از کشور دست به اقدامات تروریستی بزنند، بلکه مهمترین خطر این است که رهبری طالبان نسبت به توطئه‌های القاعده و داعش در این کشور و سایر نقاط جهان بی‌تفاوت باشد و با اعطای پناهگاه سرزمینی به گروه‌های تروریستی، امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای را در معرض خطر جدی قرار دهد (Perker, 2021). حضور امن ایمن الظواهری، رهبر گروه القاعده در کابل که تا قبل از کشته شدن وی در حمله پهبادی آمریکا در جولای



۲۰۲۲ همراه خانواده‌اش مخفی شده، نشانگر آن بود که رابطه طالبان با القاعده گسستنی نیست.

## ۵- استقرار مجدد امارات اسلامی طالبان

پس از سرنگونی امارت اسلامی افغانستان در سال ۲۰۰۱، دولت مرکزی افغانستان تحت مدیریت آمریکا و ناتو قرار گرفت و رؤسای جمهور افغانستان نظر مثبتی به پاکستان نداشتند و افغانستان روابط خود را با رقبای پاکستان مانند هند، گسترش داد. برخی رؤسای جمهور آمریکا همچون اوباما، پاکستان را عامل بی‌ثباتی در افغانستان تلقی می‌کردند. در چنین شرایطی بود که دولت پاکستان مخفیانه بازسازی طالبان را آغاز کرد. پس از سقوط امارت اسلامی در سال ۲۰۰۱ - به‌رغم حضور پاکستان در ائتلاف تحت رهبری جرج بوش - زمینه برای سفر ملا عمر در زمستان ۲۰۰۲ به کوئته (در ایالت بلوچستان پاکستان) فراهم شد و او «شورای کوئته» را برای سازماندهی مجدد طالبان ایجاد کرد و تا سال ۲۰۱۳ که در گذشت، در رأس این سازمان قرار داشت و در آن افرادی چون ملا هیبت‌الله و ملابرادر حضور داشتند و فرماندهی عملیات علیه دولت مرکزی افغانستان را بر عهده داشت. شبکه حقانی نیز در مناطق همجوار افغانستان به جذب نیرو مشغول شد (Yosafzai, 2021: 96-98). این در حالی بود که هدف آمریکا در افغانستان دولت - ملت‌سازی و مسدود کردن بستر رشد و گسترش گروه‌های تروریستی بود اما این مأموریت غیرممکن بود (Tierney, 2021: 74). ترامپ دولت‌سازی در افغانستان را محال می‌دانست: «ما برای ۲۰۰ سال در افغانستان نمی‌مانیم که این کشور را بازسازی کرده و در آنجا دولت‌سازی کنیم. افغانستان به دلیل ساختار قبیله‌ای که دارد تا ۱۰۰ سال دیگر شاهد یک نظام دموکراتیک نخواهد بود.» (Dorani, 2019: 212). جو بایدن ضمن اعلام موفقیت آمریکا در حذف فیزیکی بن لادن رهبر شبکه القاعده گفت: «ملت‌سازی در افغانستان هیچ وقت برای من معنی نداشته و من چهارمین رئیس جمهوری آمریکا هستم که سربازان آمریکایی در افغانستان حضور دارند. دو جمهوری خواه دو دموکرات. من این مسئولیت را به (رئیس جمهوری پنجم) واگذار نخواهم کرد» (Biden's claim that, 18/08/2021). با تغییر راهبرد آمریکا، پاکستان زمینه را برای بازگشت طالبان به قدرت فراهم دید.

هرچند طالبان قبل از آن که در سال ۲۰۱۸ با آمریکایی‌ها مذاکره کند، کوشیده بود خود را انحصار پاکستان خارج کند و با انتخاب دوحه برای تأسیس دفتر سیاسی خود، در سال ۲۰۱۳ پرچم امارت اسلامی افغانستان را برافراشته بود اما کنشگری در افغانستان بدون حمایت گسترده پاکستان میسر

نمود. این کشور در سطح ملی افغانستان و عرصه بین‌المللی کارزار گسترده‌ای برای پذیرش طالبان به عنوان یک واقعیت اجتماعی در افغانستان ایجاد کرده بود و حتی رئیس «آی اس آی» با حضور در کابل در تعیین اعضای امارات اسلامی جدید افغانستان مستقیماً دخالت کرد.

پاکستان در سال ۲۰۱۳ توانسته بود بین طالبان و حامد کرزای میانجیگری کند و «توافقی‌نامه شاه والی کوت<sup>۱</sup>» را میان آن‌ها امضا کند؛ که براساس آن طالبان هویتی جدای از القاعده بود. پاکستان در سال ۲۰۱۵ با انتخاب سرتاج عزیز<sup>۲</sup> فرایند مذاکره میان افغانها را پیگیری می‌کرد (Yosafzai, 2021: 96) و برنده اصلی فرایند مذاکرات دیپلماتیک آمریکا و قطر در سال ۲۰۲۱، پاکستان بود. عمران خان نخست وزیر پاکستان (۲۰۱۸-۲۰۲۲) که به «طالبان خان» مشهور شده بود، نقش مهمی در بازگشت طالبان به قدرت داشت.

اگرچه جمهوری اسلامی نیز سالهاست با طالبان رابطه دارد اما طالبان به عنوان یک گروه مخالف آمریکا با طالبان به مثابه امارت اسلامی همسایه جمهوری اسلامی بسیار متفاوت است. بازگشت طالبان به قدرت به مثابه رقیب هویتی جمهوری اسلامی به معنای تقویت موقعیت پاکستان و عربستان در صحنه سیاست داخلی افغانستان است؛ این موضوع در کنار سابقه تاریک شیعه‌ستیزی طالبان و ارتباطات آن‌ها با گروه‌های تروریستی، برای امنیت ملی ایران تهدید آفرین خواهد بود. هرچند طالبان در سیاست اعلانی، به تحول هویتی خود اصرار می‌ورزد و شیعه‌ستیزی و ارتباط با داعش و القاعده را انکار می‌کند، اما رفتار و سابقه این گروه به خوبی غیرقابل اعتماد بودن آن‌ها را نشان می‌دهد. البته ایران نیز مانند سایر بازیگران با طالبان وارد مذاکره شده اما به نظر نمی‌رسد این مذاکرات برای بلند مدت مثمر باشد. به نظر می‌رسد طالبان به دنبال آن است تا زمان تثبیت قدرت خود در افغانستان از ایران استفاده ابزاری نماید. لذا این موضوع هوشیاری بیشتر تصمیم‌گیرندگان سیاسی کشور را در نوع تعامل با طالبان، می‌طلبد. از یک سو، در شرایط کنونی همچون بسیاری از اعضای جامعه بین‌المللی، شناسایی طالبان از سوی جمهوری اسلامی باید در گرو مسئولیت‌پذیری این گروه در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باشد. از سوی دیگر، عدم شناسایی طالبان، نباید به مفهوم دشمنی غیر ضروری ایران با آن تلقی شود. هرچند ایران تعارضات هویتی و ایدئولوژیک پایان ناپذیری با طالبان دارد و این تعارضات همزیستی مسالمت‌آمیز بین دو کشور را دشوار می‌کند، اما اگر تعارضات ایدئولوژیک به

1 . Shah Wali Kot agreement

2 . Sartaj Aziz

حوزه‌های ژئوپلیتیک انتقال پیدا کنند، زمینه تحرکات امنیتی طالبان علیه ایران را فراهم خواهد کرد و بخش عمده‌ای از منابع نظامی - امنیتی کشور را برای خنثی‌سازی تهدیدات امنیتی احتمالی از سوی گروه‌های تروریستی مرتبط با طالبان، به گروگان خواهد گرفت. حساسیت این موضوع با توجه به وجود مرزهای گسترده زمینی ایران با افغانستان دوچندان خواهد بود. پاکستان، امارت اسلامی ضعیف را ترجیح می‌دهد و این هم بازتولید تهدید امنیت ملی ایران است.

علاوه بر موارد مذکور، در انتها باید این نکته را افزود که تشکیل امارت اسلامی افغانستان با خدشه‌دار کردن دین مبین اسلامی، نیز نوعی تهدید برای همه جهان اسلامی از جمله جمهوری اسلامی که دارای نظام اسلامی و مدافع آن است، نیز محسوب می‌شود. طالبان برخلاف وعده‌هایی که در دوحه داده بود، با وضع مجموعه‌ای از مقررات و محدودیت‌ها، عملاً همان امارت قبلی ۱۹۹۶-۲۰۰۱ را احیا کرده است. طالبان، ورود زنان به پارک‌ها، باغ‌ها و سالن‌های ورزشی را ممنوع اعلام کرد؛ وزارت تحصیلات عالی این امارت به تمام دانشگاه‌های دولتی و خصوصی افغانستان دستور داده که زنان این کشور «تا اطلاع ثانوی» حق ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها را نخواهند داشت؛ و استخدام زنان در سازمان‌های محلی و بین‌المللی مردم‌نهاد در افغانستان تا اطلاع ثانوی به حالت تعلیق درآمده است. همچنین اجرای برخی از احکام مانند اعدام و تازیانه زدن در ملا عام را نیز از سر گرفته است. این طیف از قوانین، تصویر کلی از اسلام را مخدوش می‌کند.

## نتیجه‌گیری

تحولات چهار دهه اخیر در مرزهای شرقی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد سیاست‌های دولت پاکستان به رغم تغییر مداوم دولت‌ها در قبال افغانستان ثابت مانده و هزینه‌های امنیتی بسیاری برای جمهوری اسلامی ایجاد کرده است. ریشه اصلی سیاست‌های پاکستان در مسئله مرزی دیوراند است. مرز دیوراند هم محصول سیاست جهانی در دوره بازی بزرگ است و هم بر سیاست جهانی تأثیر می‌گذارد. شاید کمتر اختلاف و بحران مزمن مرزی در دنیا، این اندازه پیامدهای جهانی و منطقه‌ای داشته است. تکوین دولت ضعیف و ناکامی آن در افغانستان و تسری این وضعیت حتی به پاکستان باعث فراهم شدن مکانی مساعد برای پیدایش گروه‌های افراطی و میزبانی گروه‌های تروریستی بین‌المللی مانند القاعده و داعش شاخه خراسان در محیط امنیتی شرقی جمهوری اسلامی شده است.

تلاقی و همپوشانی مجموعه عواملی مانند شکل‌گیری گروه‌های تروریستی، تولید گسترده مواد مخدر، حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای رقیب و متخاصم جمهوری اسلامی، پناهگاه‌های فراملی و امن برای گروه‌های معاند جمهوری اسلامی که بخش عمده آن ریشه در اختلافات ارضی پاکستان با افغانستان دارد، باعث شده که تهدیدات گسترده امنیتی علیه جمهوری اسلامی در این مناطق شکل بگیرد و هزینه‌های بسیار زیادی بر ایران به منظور کنترل این تهدیدات تحمیل شود. روند تحولات افغانستان بعد از بازگشت طالبان به قدرت، زمینه‌ساز موج جدید آوارگان افغان به سمت مرزهای شرقی ایران شده است. اوضاع آشفته افغانستان بعد از خروج نیروهای آمریکایی و بازگشت طالبان به قدرت، مزید بر علت شده است تا آوارگان سابق نیز تمایلی به بازگشت به کشور خود نداشته باشند و این هزینه‌های فراوانی را بر جمهوری اسلامی تحمیل خواهد کرد.

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که خطوط مرزی که انگلیسی‌ها در مناطق همجوار ایران ترسیم کرده‌اند، هیچ مطابقتی با دولت‌های ملی ندارد و بیشتر بر مبنای شناخت دقیق آن‌ها از وضعیت قومی مناطق مختلف بوده است. این خطوط، علاوه بر اینکه در آن‌ها محاسبات راهبردی لحاظ شده، مسائل پیچیده جمعیتی نیز در نظر گرفته شده است تا پس از خروج نیروی خارجی و استعمارگر، منازعات همچنان بازتولید شوند و همواره زمینه برای مداخله خارجی وجود داشته باشد. این بحران مرزی، مساله‌ای است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره در مرزهای شرقی ایران، منشاء و بستر بسیاری از تهدیدات امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران بوده و روند این تحولات نشان می‌دهد که این تهدیدات همچنان در آینده نیز تداوم خواهند یافت و حتی تسریع و تشدید خواهند شد. ادراک مقامات طالبان، پاکستان و عربستان از خروج نظامیان غربی از افغانستان در سال ۲۰۲۱، گریزناپذیری به قدرت رسیدن طالبان بوده و بنابراین دیگر نمی‌توان توقع داشت که طالبان از حضور نظامیان غربی مانند دوره پس از ۱۱ سپتامبر نگران باشد. پیش‌دستی جمهوری اسلامی در انجام مذاکره با طالبان و دعوت مکرر نمایندگان طالبان به تهران از یک سو ناشی از واقع‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی است اما از سوی دیگر تضمینی برای کاهش هویت ضد جمهوری اسلامی طالبان پس از به قدرت رسیدن، وجود ندارد. با توجه به هزینه‌های بالای امنیتی جمهوری اسلامی از ناامنی در افغانستان، ضروری است ایران تقویت دولت مرکزی و فراگیر در افغانستان را یکی از پیش‌شرط‌های بسیاری از مناسبات راهبردی خود با پاکستان تعیین کند و تضمین‌های جدی‌تری از طالبان و حتی سایر قدرت‌های دخیل در این بحران بگیرد.

## منابع

### الف- منابع فارسی

- اس.ام. بورک و لارنس زایرینگ (۱۳۷۷)، *تاریخ روابط خارجی پاکستان*، ترجمه ایرج وفایی، تهران: کویر.
- اسپوزیتو، جان. ال و دیگران (۱۳۹۶)، *دولت و جنبش‌های اسلامی معاصر*، ترجمه علیرضا سمیعی و محمد حاجی پور، تهران: نگاه معاصر.
- بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۳۸۲)، *اختلافات ارضی افغانستان و پاکستان به روایت اسناد تاریخی وزارت امور خارجه ایران*. تهران: وزارت امور خارجه، مرکز اسناد خدمات پژوهشی.
- جان پرور، محسن (۱۳۹۵)، «تشریح و سطح‌بندی ابعاد پایه‌ای مطالعات مرزی» *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال دوازدهم، شماره ۴. صص ۱۰۰-۱۲۰.
- حافظ نیا، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۹)، «تأثیر جهانی شدن بر ماهیت مرزها»، *مدرس علوم انسانی*، سال دوازدهم، شماره ۳، صص ۳۷-۵۴.
- داوودندی، نصرالله و دیگران (۱۳۹۹)، «درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران از منظر مدل جامع دولت-ملت‌سازی»، *مطالعات انقلاب اسلام*، سال هفدهم، شماره سوم، صص ۵۹-۹۰.
- رشید، احمد. (۱۳۷۹)، *طالبان؛ اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید*، ترجمه اسدالله شفایی و صادق باقری. تهران: دانش هستی.
- رکابیان، رشید و دیگران (۱۳۹۸)، «بحران دولت در لیبی و امنیت اروپا»، *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، سال یازدهم، ۱۱، شماره ۳۹ صص ۱۴۷-۱۶۹.
- روآ، اولیور (۱۳۶۹)، *افغانستان، اسلام و نوگرایی سیاسی*، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد: استان قدس رضوی.
- سجادپور، سیدمحمد کاظم، محمدتقی جهانبخش (۱۳۹۳)، «تأثیر عنصر «مخدر افغان» بر امنیت ملی فدراسیون روسیه»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره بیستم، ۲۰، شماره ۸۸ صص ۵۹-۸۸.

- فراتی، محمدرضا و دیگران (۱۴۰۰)، «دولت - ملت سازی در غرب آسیا؛ ارائه الگوی بومی برای غلبه بر چالش‌ها»، *آفاق امنیت*، سال چهاردهم، شماره ۵۰، صص ۱۷۵-۲۰۱.
- قوام، عبدالعلی و افشین زرگر (۱۳۸۹)، *دولت سازی، ملت سازی و نظریه های روابط بین الملل*، تهران: واحد علوم و تحقیقات تحقیقات.
- مشیرزاده، حمیرا و مهدی عارفی (۱۴۰۰)، «چرخش در سیاست خارجی افغانستان در دوره اشرف غنی: رویکردی ادراکی»، *اورآسیای مرکزی*، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۳۱۹-۳۴۵.
- ملازهی، پیرمحمد (۱۳۸۴)، فرصت‌ها و تهدیدهای امنیتی فراسوی جمهوری اسلامی ایران در نگرش به موضوع افغانستان، در: *کتاب امنیت بین الملل*، تهران: ابرار معاصر.
- میگدال، جوئل (۱۳۹۵)، *دولت در جامعه*، ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: کویر.
- هالیدی، فرد (بی تا)، *انقلاب در افغانستان*، ترجمه ع. اسعد، بی جا: نیاز.

## ب- منابع انگلیسی

- Ahmadzai, Atal (2022), IS-Khorasan: Organizational Structure, Ideological Convergence
- with the Taliban, and Future Prospects, *Perspective on Terrorism*, Volume 16, Issue 5.
- Aljazeera (14 Apr 2017), US says 'mother of all bombs' hits ISIL in Afghanistan, <https://www.aljazeera.com/news/2017/4/14/us-says-mother-of-all-bombs-hits-isil-in-afghanistan>
- Aljazeera (17 Apr 2022), *At least 47 dead in Afghanistan after Pakistan attacks*: Officials, <https://www.aljazeera.com/news/2022/4/17/afghanistan-death-toll-in-pakistan-strikes-rises-to-47-official>. (Accessed on: 17/4/2022).
- Biden's claim that nation-building in Afghanistan 'never made any sense to me', (2021), Washingtonpost, Aug 18, <https://www.washingtonpost.com/politics/2021/08/23/bidens-claim-that-nation-building-afghanistan-never-made-any-sense/> (Accessed on: 23/8/2022).

- Country Profile Afghanistan”, (2008), Library of Congress Country Studies on Afghanistan, <https://www.loc>.
- Crisis Group Asia Briefing(2021), Pakistan: Shoring Up Afghanistan’s Peace Process, N°169, Islamabad/Washington/Brussels, 30 June at: <https://www.crisisgroup.org/asia/south-asia/pakistan/b169-pakistan-shoring-afghanistans-peace-process>
- Cultivation and Production. [https://www.unodc.org/documents/crop-monitoring/Afghanistan/Afghanistan\\_Opium\\_Survey\\_2021.pdf](https://www.unodc.org/documents/crop-monitoring/Afghanistan/Afghanistan_Opium_Survey_2021.pdf). (Accessed on: 11/9/2022)
- Dkhar, Prashanta and Anita Dkhar. (2017). “The Durand Line: Official Positions of Pakistan and Afghanistan over the Legitimacy of the Border.”Advances in Social Science, *Education and Humanities Research*, Vol. 124,<https://www.atlantis-press.com/proceedings/iccsh-17/25878801>.
- Dorani, Sharifllah (2019), *American in Afghanistan: Foreign Policy and Decision Making from Bush to Obama to Trump*, London: I.B. TAURIS.
- Epstein, Jake (2022), “Constant ISIS terror attacks are challenging the Taliban's tenuous grip on power in Afghanistan”, Insider, Apr 30, available at: <https://www.businessinsider.com/isis-challenging-taliban-legitimacy-afghanistan-security-new-bombings-2022-4>
- European Asylum Support Office(2021), Afghanistan Security situation Country of Origin Information Report [https://www.cgrs.be/sites/default/files/rapporten/easo\\_coi\\_report\\_afghanistan\\_security\\_situation\\_20210625.pdf](https://www.cgrs.be/sites/default/files/rapporten/easo_coi_report_afghanistan_security_situation_20210625.pdf)
- Farzana, Sheikh (2009), *Making Sense of Pakistan*, London: Foundation Books, Hurst \$ Company.
- Goldbaum, Christina(2022), With Spate of Attacks, ISIS Begins Bloody New Chapter in Afghanistan, <https://www.nytimes.com/2022/05/01/world/asia/afghanistan-isis-attacks.html>
- Jalal, Ayesha.(2014).*The Struggle for Pakistan:a Muslim homeland and global politics*.The Belknap Press of Harvard University Press.
- Kaura, Vinay(2020),An enduring divide: Afghanistan, Pakistan, and the Durand Line, Avaialbe at: <https://www.mei.edu/publications/enduring-divide-afghanistan-pakistan-and-durand-line>

- Koepke, Bruce (2016) *Iran's Relations with Afghanistan's National Unity Government, in Saikal, Amin (eds.) The Arab World and Iran: A Turbulent Region in Transition*, Palgrave Macmillan US.
- Kugelman, Michael. (2019). “The Islamic State Will Outlive Baghdadi. Afghanistan Shows How.” *Foreign Policy*, Nov 5, 2019, <https://foreignpolicy.com/2019/11/05/isis-terrorism-killing-islamic-state-outlive-baghdadi-afghanistan/>
- Kumar lambah, Satinder (2011). “The Durand Line. (Issue 4 of Policy paper). Aspen Institute India.
- Lalzoy, Najibullah (21 Dec 2021), Taliban destroys Pakistan’s barbed-wire erected on Durand Line, Available At: <https://www.khaama.com/taliban-destroys-pakistans-barbed-wire-erected-on-durand-line-347357/>. (Accessed on: 21/12/2022)
- Mazhar, Muhammad Saleem and Naheed S. Goraya (2009), “Border Issue between Pakistan & Afghanistan”, *South Asian Studies*, Vol. 24, No. 2. Pp 204-220.
- Pakistan Population 2020” (2019), World Population Review, Oct 10, <http://worldpopulationreview.com/countries/pakistan-population/>
- Perker, Thomas. (2021). “What Next for Afghan-Based Terrorist Groups?” Washington Institute. <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/what-next-afghan-based-terrorist-groups>
- Research study on cross border population movements between Afghanistan and Pakistan.” UNCHR and Altai Cosulting, June 2009, <http://www.unhcr.org/4ad448670.pdf>
- Saikal, Amin ( 2018). *Afghanistan: A Turbulent State in Transition, in Shahrani. M. Nazif Mohib, ( eds.), Modern Afghanistan : the impact of 40 years of war*, Indiana University Press.
- UNHCR (2021) Scale up support to Iran to safeguard fleeing Afghans, says UNHCR’s Grand, <https://www.unhcr.org/ir/2021/12/21/scale-up-support-to-iran-to-safeguard-fleeing-afghans-says-unhcrs-grandi/> (Accessed on: 21/12/2021)
- Soofi, Ahmer Bilal. (2015). “Pakistan-Afghanistan Border Management: A Legal Perspective.” Pakistan Institute of Legislative Development and Transparency, <https://rsilpak.org/wp-content/uploads/2019/01/Pakistan-Afghanistan-Border-Management-A-Legal-Perspective.pdf>.



- Tierney, Dominic (2021). "Why the United States Is Losing—And Russia and Iran Are Winning", *The Washington Quarterly*, Vol.44, No.3, pp 69-87.
- UNHCR (2022), "Refugees in Iran", available at:  
<https://www.unhcr.org/ir/refugees-in-iran/>
- UNODC (United Nations office on drugs and crimes) (2021), Afghanistan Opium Survey 2021 Cultivation and Production.  
[https://www.unodc.org/documents/crop-monitoring/Afghanistan/Afghanistan\\_Opium\\_Survey\\_2021.pdf](https://www.unodc.org/documents/crop-monitoring/Afghanistan/Afghanistan_Opium_Survey_2021.pdf)
- UNODC (2022), "Opium Cultivation in Afghanistan", November, available on:  
[https://www.unodc.org/documents/crop-monitoring/Afghanistan/Opium\\_cultivation\\_Afghanistan\\_2022.pdf](https://www.unodc.org/documents/crop-monitoring/Afghanistan/Opium_cultivation_Afghanistan_2022.pdf)
- Wafayezada, Mohammad Qasim and et all (2017), Four Decades of Efforts for Peace and Reconciliation in Afghanistan, The Afghan Institute for Strategic Studies (AISS) Kabul –January
- Weinbaum, Marvin G. (1991), "War and Peace in Afghanistan: The Pakistani Role." *Middle East Journal*, Vol. 45, No. 1. pp 71-85.
- Yousafzai, Zafar Iqbal (2021), *The Troubled Triangle: U.S.-Pakistan Relations Under the Taliban's Shadow*, Routledge Chapman & Hall.

### پ- منابع الکترونیکی

- «پاسخ طالبان به حملات نظامی پاکستان: حوصله افغان‌ها را امتحان نکنید»، خبرگزاری خامه پرس،  
<https://www.khaama.com/persian/archives/98901> :۲۰۲۳/۴/۱۶
- «تولید ۹۰ درصد تریاک جهان در همسایگی ایران/با سه بار مصرف مواد مخدر، معتاد می‌شوید»،  
خبرگزاری فارس، ۱۴۰۱/۱۲/۲،  
<https://www.farsnews.ir/news/14011202000791>
- قادری، علی. «تحولات خاورمیانه و تاثیر آن بر افغانستان»، روزنامه افغانستان ما، ۱۳۹۴/۳/۳:  
[http://www.dailyafghanistan.com/opinion\\_detail.php?post\\_id=132429](http://www.dailyafghanistan.com/opinion_detail.php?post_id=132429)